

آیین کالونی*

آر. ماتزرات و پی. سورگل
محمد حقانی فضل**

اشاره

ژان کالون را باید مهم‌ترین رهبر و ال‌هیدان نهضت اصلاح دینی پس از لوتر دانست. کتاب مبادی دین مسیحی او مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اثر ال‌هیاتی در دوره‌های اولیهٔ حیات نهضت اصلاح دینی است؛ کالون مهم‌ترین رهبر کلیساهای اصلاح‌شده بود؛ او در شهر ژنو حکومتی مسیحی برپا کرد و رهبری آن را بر عهده گرفت. روایت کالون از ال‌هیات در بین پروتستان‌های فرانسه، هلند و اسکاتلند مقبولیت و حاکمیت یافت و آیین کالونی حرکتی قوی و پرنیرو در انگلستان و قسمت‌هایی از آلمان و اروپای مرکزی بود. این مقاله سعی دارد تا تصویری خلاصه اما روشن و قابل فهم از اندیشه‌های اصلی کالون و جریانی که به آیین کالونی مشهور است ارائه کند.

مقدمه

آیین کالونی نظام ال‌هیاتی‌ای است که اصلاح‌گر فرانسوی، ژان کالون، شکل داد. او

* مشخصات کتاب‌شناختی این اثر چنین است:

R. Matzerath and P. Soergel, "Calvinism", in *New Catholic Encyclopedia* (2nd ed.), vol. 2, Detroit: Catholic University of America: Tomson / Gale, 2003, pp. 890-6.

** دانشجوی دوره کارشناسی ارشد دانشگاه ادیان و مذاهب.

عمده مباحث خویش را در کتاب *مبادی دین مسیحی*^۱ (۱۵۳۶-۱۵۵۹) مطرح کرد. این ساختار کلامی — که نشان‌دهنده شایستگی کالون برای لقب «نابغه‌الاهیاتی نهضت اصلاح دینی» است — نخستین عرضه نظام‌مند پروتستانیسم بود که پس‌زمینه‌ای عقیدتی نیز برای بیشتر کلیساهای غیرلوتری سنت اصلاح‌شده^۲ فراهم آورد. این مقاله آیین کالونی را تحت عناوین ذیل مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. آیین کالونی؛ یک نظام الاهیاتی

۲. ساختار الاهیاتی

۳. تحولات تاریخی

۴. گسترش جغرافیایی

۱. آیین کالونی؛ یک نظام الاهیاتی

هرچند آیین کالونی یک ساختار نظام‌مند است، اما سیستم به معنای اصطلاحی و کامل آن — یعنی نظامی با یک ایده اصلی، شکل‌گیری و تکوین روشن و واضح، و هماهنگی کامل؛ مانند آنچه در مکتب ارسطو، مکتب کانت و یا فلسفه توماسی می‌بینیم — نیست. در عوض، آیین کالونی بیانی مبتنی بر کتاب مقدس، مستدل و مشروح از اصول انجیلی و پروتستانی را به‌عنوان دفاع اصلی خویش ارائه می‌کند؛ هرچند این تنها دفاعش نیست. کالون آموزه‌های اصلاحات اولیه: عادل‌شمردگی به وسیله ایمان (تنها ایمان)^۳

1. *Institutes of Christian Religion*

۲. *Reformed tradition*: نهضت اصلاح دینی که در اواخر قرون وسطا آغاز گشت، دربرگیرنده چهار حرکت بود: آیین لوتری، کلیسای اصلاح‌شده، نهضت اصلاح‌گرایی بنیادین (آناپتیست‌ها) و اصلاحات کاتولیکی. سه حرکت اول در دسته اصلاح‌گرایی پروتستانی قرار دارند؛ اما دسته چهارم حرکتی بود که درون کلیسای کاتولیک اتفاق افتاد. سنت اصلاح‌شده در تحولات کنفدراسیون سوئیس ریشه داشت و در ابتدا در اثر مساعی و اندیشه‌های تسوینگی آغاز شد. پس از مرگ تسوینگی در جنگ ۱۵۳۱، جانشین او، هاینریش بولینگر، رهبری حرکت را بر عهده گرفت. در ۱۵۵۰، ژنو پایگاه و کالون سخنگوی اصلی این نهضت شد و در نتیجه، اندیشه‌های کالون و پس از او تئودور بزا بر «کلیسای اصلاح‌شده» حاکم شد. معمولاً از اصطلاح «آیین کالونی» برای اشاره به اندیشه‌های دینی کلیسای اصلاح‌شده استفاده می‌شود که تلویحاً به این معناست که این اندیشه‌ها اساساً کالونی هستند. ایستر مک‌گراث، *مقدمه‌ای بر تفکر نهضت اصلاح‌دینی* (ترجمه بهروز حدادی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۲)، ص ۵۶-۶۱ م.

3. *sola fides*

که فیض الهی آن را عطا کرده است (تنها فیض)،^۱ اولویت و برتری کتاب مقدس و کشیش بودن تمام معتقدان واقعی را به کار گرفت؛ او از این آموزه‌ها، ساختاری جدید ایجاد کرد که خصوصیات و اعمال آن تفاوت بسیاری با آیین لوتری یا آیین انگلیکن، دیگر اصلاحات اقتدارگرای^۲ قرن شانزدهم، داشت.

سیستم نسبی

کالون ۲۷ ساله بود که اولین نسخه از کتاب خود، *مبادی دین مسیحی*، را منتشر کرد. آن چنان که خودش در «نامه‌ای به پادشاه» (فرانسیس اول، ۱۵۱۵-۱۵۴۷) — که در مقدمه همین کتاب آورده — گفته است، قصد او از تألیف کتاب *مبادی* این بوده است که شرحی در نهایت سادگی دربارهٔ تعالیم مسیحیت بنویسد تا به وسیلهٔ آن «کسانی که مایه‌ای از شور و تعصب دینی دارند، به آن تعصب صورت یک ایمان و خداشناسی حقیقی بدهند».^۳

کالون در مابقی عمرش — تا زمان انتشار نسخهٔ نهایی کتابش به زبان لاتین (۱۵۵۱) و ترجمهٔ فرانسه آن (۱۵۶۰) — کتاب خویش را شرح و بسط داده، بازبینی و منتشر کرد تا اینکه به بیانی کامل، معتبر و موثق از آیین کالونی تبدیل شد. برخلاف بسیاری از الاهدانان، عقاید کالون در طول زمان ثابت ماند. نسخهٔ پایانی *مبادی دین مسیحی* از نظر حال و هوا و تعالیم تفاوتی با نسخهٔ اول (۱۵۳۶) نداشت. تفاوت نسخه‌های متأخر

1. sola gratia

۲. magisterial reformations اصطلاح «نهضت اصلاح‌گرایی اقتدارگرا» ناظر به شیوه‌ای است که بر اساس آن، اصلاحگران اصلی با حاکمان عرفی، مانند شاهزادگان، قضات دادگاه‌ها یا شوراهای شهر پیوند برقرار کردند؛ در حالی که اصلاحگران بنیادستیز [آناپتیست‌ها] مقامات یادشده را فاقد هر گونه حقی در مورد کلیسا می‌دانستند. اصلاحگران اصلی [=اکثریت] معتقد بودند که کلیسا دست‌کم تا حدی تابع و پیرو نهادهای عرفی دولت است. قاضی دادگاه — که یکی از صاحبان قدرت بود — می‌توانست در امور مربوط به کلیسا دخالت کند؛ همان‌گونه که کلیسا می‌توانست برای اجرای مقررات، سرکوب بدعت و حفظ نظام خود از اقتدار قاضی دادگاه بهره‌گیرد. منظور از اصلاح‌گرایی اقتدارگرا، توجه به این پیوند نزدیک میان قدرت و کلیسا بود که در کانون برنامهٔ اصلاحی نویسندگانی چون مارتین لوتر یا مارتین بوسر قرار داشت. ایستر مک‌گراث، *مقدمه‌ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی*، ص ۵۷. م

3. *Library of Christian Classics*, 20:9.

با نسخه‌های پیشین در میزان مستدل بودن و تفصیل مباحث و استدلال‌هایی بود که کالون در دفاع از عقاید خویش مطرح می‌کرد. آموزشی که کالون در علم منطق در کولژ دو متنگو دیده بود و همچنین تحصیلات حقوقی او نزد حقوقدانان اورلئان و بورژ در ساختار اندیشه‌ی الاهیاتی او آشکار است.

ایده‌ی اصلی

در گذشته گرایش به این بود که تقدیر ازلی را نقطه‌ی اصلی الاهیات کالون بدانند. بعدها قدرت مطلق خداوند و بسیار متأخرتر، الوهیت مسیح به‌عنوان اصل سازنده‌ی آیین کالونی مطرح شد. هرچند بهترین ایده‌ای که امروزه وجود دارد این است که آیین کالونی یک نظام منسجم نیست که حول یک عقیده‌ی مرکزی شکل گرفته باشد. به نظر می‌رسد کالون بیش از آنکه ساختار الاهیات خود را بر محور یک مفهوم انتزاعی مرکزی بنا کند، ترجیح می‌دهد مجموعه‌ای از ایده‌های کتاب مقدس را گرد هم آورد.

منابع

منبع اصلی و بلامنازع نظام الاهیاتی کالون کتاب مقدس بود. کالون کتاب مقدس را به‌طور کامل خوانده بود و آن را کاملاً می‌دانست و تقریباً بر تمامی کتاب‌های آن شرح و تفسیر نوشته بود. شاید هیچ یک از رهبران اصلاح دینی چنین گسترده درباره‌ی «عهد قدیم» نداشتند. استفاده‌ی کالون از کتاب مقدس فوق‌العاده و قابل مقایسه با سلف او، مارتین لوتر، است. لوتر بیان می‌کند که مطالعه‌ی کتاب مقدس باید با توجه به روشن‌سازی اصول عادل‌شمردگی به وسیله‌ی ایمان — شرط لازمی^۱ که او در آموزه‌های کتاب مقدس می‌شناساند — باشد. در مقابل، کالون می‌گوید تمام بخش‌های کتاب مقدس، از کتب قانون و مناجات عهد قدیم تا رساله‌های پولس، برای مسیحیان از نظر کارایی برابر هستند. بنابراین کتاب مقدس برای کالون، کتابی بود متشکل از متونی که باید به‌طور کامل خوانده شوند. او از مجموعه‌ی متنوعی از کتاب‌های کتاب مقدس استفاده کرد تا برنامه‌ای برای اصلاح اشخاص و جامعه عرضه و نظرات الاهیاتی خویش را تأیید کند.

1. sine qua non

نوشته‌های آباء کلیسا، زمینه مهمی را برای نظام کالون شکل دادند. احتمالاً او اولین بار در کولژ دومتگو با این آثار آشنا شده است. کالون در تمام عمرش آگاهی خود را در مورد نوشته‌های یونانی و لاتینی آبا عمق بخشید و افزایش داد.^۱ هرچند چنین به نظر می‌رسد که زمانی یوحنا زین‌دهان فرد مورد علاقه او بوده است، اما تأثیر آگوستین قدیس بر او چشمگیر و بی‌نظیر است. کالون دائماً آثار آگوستین را می‌خواند و بیشتر اوقات از او نقل می‌کرد و احساس می‌کرد که با او توافقی اساسی و بنیادی دارد.

کالون نویسندگان فلسفه مدرسی را نیز می‌شناخت و از آنان بهره برده بود. او با آثار آنسلم، پتر لومبارد و توماس آکوئیناس آشنا بود؛ اما به نظر می‌رسد که به‌ویژه به دنز اسکوتوس و ویلیام اوکامی علاقه‌مند بوده است. تعدادی از نویسندگان ریشه و منشأ تصور کالونی از خدا را تعالیم دنز اسکوتوس می‌دانند. هرچند ای. دومرگ، ای. لسرف^۲ و سایرین در این فرضیه تردید کرده‌اند، اما شباهت نظریه کالون در مورد خدا و تعالیم اسکوتوس بیشتر از آن است که بتوان از آن چشم پوشید.^۳ تأثیرات فلسفه نام‌گرایی بر کالون را می‌توان در برتری بخشیدن او به مشیت الهی دید. این تأثیرات همچنین در اثربخشی به مصایب مسیح،^۴ انتقال گناه آدم و طبیعت میانجی^۵ به‌عنوان خدا و انسان — که او همه اینها را وابسته به مشیت الهی می‌داند — آشکار است.

کالون با لوتر در مورد آموزه‌های بنیادینی که به رستگاری انسان مربوط می‌شوند، توافق کامل داشت؛ اما پس از سال ۱۵۳۶، به علت اختلاف در مورد مسئله شام خداوند از لوتر جدا شد. به تدریج هر چه کالون نظام الاهیاتی خویش را بسط می‌داد، اختلاف‌ها درباره مسائلی مانند مجموعه رسمی کتاب مقدس، قضا و قدر، کلیسا، مسیح و آیین‌های مقدس پدیدار می‌شد. هرچند چنین تفاوت‌هایی آیین کالونی را از آیین لوتری متمایز می‌سازند؛ اما در مقایسه با توافق اساسی این دو در مورد آموزه عادل‌شمردگی به وسیله ایمان اهمیت کمتری دارند.

۱. فهرست کامل این ارجاعات را ببینید: *the library of Christian classic*, 21:1592-1634.

2. E. Doumergue, E.Lecerf

3. E.g. *Institutes*, 3.23.2.

4. *Institutes*, 13.17.1.

5. Mediator

باید یکی از منابع اندیشه کالون را اندیشه‌های فیلیپ ملانشتون، به‌خصوص در کتاب *مباحث کلی‌الاهیات*^۱ (۱۵۳۱)، دانست. کالون بر ترجمه فرانسوی آن مقدمه‌ای نوشت (جنوا ۱۵۴۶). علاوه بر آن، اعتراف‌نامه آگسبورگ^۲ را امضا کرد و تصور می‌کرد که با آن کاملاً موافق است؛ هرچند — همان‌طور که خود او در مقدمه‌اش بر کتاب ملانشتون اعلام کرد — با ملانشتون بر سر اراده آزاد و تقدیر ازلی اختلاف نظر داشت. مارتین بوسر و کالون دوستانی صمیمی بودند و این دوستی و توافق نظر در آثار ایشان آشکار و مشهود است. خصوصاً در ایده تقدیر ازلی می‌توان تأثیر بوسر را بر او دید. کالون اندیشه بوسر را در مورد خصوصیت تعیین‌کنندگی تقدیر ازلی و همچنین نقشی که حمد و ستایش، عادل‌شمردگی، و انجام وظیفه در آن داشتند پذیرفت. در عین حال کالون تمایز و تفاوت بین تقدیر ازلی و علم پیشین را پذیرفت، حال آنکه بوسر آن دو را یکی می‌دانست.^۳

۲. ساختار الیهاتی

چکیده‌ای از عقاید کالون، دورنمایی برای مطالعه مبسوط‌تر و مفصل‌تر درباره عقاید اصلی اصلاح‌گران به دست می‌دهد:

حکمت حقیقی عبارت است از شناخت خدا و خودمان. و تنها در پرتو شناخت خدا می‌توان به یک خودشناسی حقیقی دست یافت. خداوند خود را در دو کشف [وحی] شناسانده است: به‌عنوان خالق از طریق جهان مادی؛ و به‌عنوان منجی^۴ — یعنی شناختی از خدا که نجات‌دهنده است — تنها از طریق کتاب مقدس. کتاب مقدس مسیح را می‌شناساند، میانجی یگانه که رستگاری به وسیله او حاصل می‌شود. رستگاری از طریق عمل پنهانی روح القدس و ایمان به دست می‌آید. ایمان لازم و ضروری است؛

۱. Loci Communes Rerum Theologicarum (Commonplaces of Theology)؛ نام کامل این کتاب (Theology) است؛ این اثر در سال ۱۵۲۱ منتشر شده است که در این مقاله به اشتباه، احتمالاً تایپی، ۱۵۳۱ گفته شده است. [DVD] Microsoft® Encarta® 2008 "Melanchthon". م

۲. Confession of Ausburg؛ ملانشتون مؤلف این اعتراف‌نامه بود. تونی لین، *تاریخ تفکر مسیحی* (ترجمه روبرت آسریان، تهران: نشر و پژوهش فروزان روز، ۱۳۸۰)، ص ۲۶۴. م

3. *Institutes*, 3.21.5.

4. Redeemer

زیرا با سقوط [هبوط] آدم، همه انسان‌ها تحت مصیبت گناه و محکومیت الهی قرار گرفتند. رستگاری ناشی از رحمت خداوند است؛ این رحمت کسانی را دربرمی‌گیرد که خداوند از ازل و در اراده غیر قابل درکش، آنان را برای دریافت آن [رحمت] انتخاب کرده است. سایرین به حق و از روی انصاف از دایره فیض نجات‌بخش او بیرون هستند و از آثار و نتایج گناه خویش رنج می‌برند.

عادل‌شمردگی تنها به وسیله ایمان محقق می‌شود؛ اما ما به علت کاهلی و جهالت‌مان به کمک‌های بیرونی‌ای مانند موعظه انجیل در کلیسا و اجرای آیین‌های مقدس‌تعمید و شام خداوند نیازمندیم.

کلیسا هم نامرئی است و هم مرئی: کلیسای نامرئی از کسانی تشکیل شده است که با اعتراف، زندگی شایان تقلید و شرکت در آیین‌های مقدس، اعتقاد خویش به خدا و مسیح را اظهار می‌کنند. کلیسای مرئی این نشانه‌ها را دارد: موعظه کردن و شنیدن انجیل، و اجرای آیین‌های مقدس.

قدرت مطلق خداوند

کتاب مبادی دین مسیحی با این جمله آغاز می‌شود: «تقریباً تمام حکمتی که ما داریم، یعنی حکمت حقیقی و واقعی، از دو قسمت تشکیل شده است: شناخت خدا و شناخت خودمان».^۱ تمامی ساختار الاهیاتی کالون درصدد ارائه تمام روابط بین انسان و خداست. همان‌طور که لوتر پیش از وی گفته بود، او نیز اعلام کرد که «نفس وجود ما چیزی جز ادامه حیات در یک خدا نیست».^۲ کالون — به علت اعتقاد راسخ خویش یا به علت اینکه می‌خواست دغدغه‌های لوتر در مورد انسان را از بین برده باشد — از نظریه لوتر در باب بخشش رایگان خداوند فراتر رفت و به ایده قدرت مطلقه خداوند رسید؛ خداوند همه کاره است، هم در نظام غایات و هم در نظام وسایل و ابزار؛ همه چیز در جهت جلال خداوند است. این ایده بر دیدگاه او درباره تحقیق و پرسش عقلانی و منطقی از طبیعت خداوند سایه انداخته است. از نظر کالون سؤال «خدا چیست؟»^۳

1. *Institutes*, 1.1.1

2. *Ibid.*

3. "Quis est Deus?"

سؤالی عبث و حتی وقیحانه و گستاخانه است؛ زیرا «ذات خداوند غیر قابل فهم است؛ بنابراین الوهیت او بسیار بالاتر از فهم و درک بشر است».^۱

کالون درباره‌ی خدا در چارچوب اراده‌ی متعالی او می‌اندیشد؛ اراده‌ای که قانون مسلم و قطعی و «...تنها علت حقیقی همه چیز»^۲ است. تمام اوامر و مشیّت‌های الهی — که همه چیز به وسیله‌ی آنها منظم و بسامان است — از آن اراده ناشی می‌شوند: خداوند «آنچه را می‌خواهد انجام دهد، امر کرده است و اکنون با قدرت خویش آنچه را امر کرده است اجرا می‌کند».^۳ این مشیّت نباید مورد پرسش واقع شود. کالون می‌گوید: «اراده‌ی خداوند بالاترین قانون درستکاری و عدالت است؛ هرچه او اراده کند، به علت همین حقیقت که خدا آن را اراده کرده است، باید درستکارانه و عادلانه به شمار آید. بنابراین هرگاه کسی بپرسد چرا خداوند چنین کرد، ما باید پاسخ بدهیم: زیرا آن را اراده کرده بود».^۴

نظر کالون در مورد خدا با نظر او درباره‌ی کتاب مقدس نیز مرتبط است؛ بنا بر عقیده‌ی کالون هیچ کس نمی‌تواند به شناخت خدا دست یابد مگر اینکه به وسیله‌ی کتاب مقدس تعلیم یافته باشد.^۵ کتاب مقدس باید با ایمان و در پرتو روشنگری روح القدس خوانده شود؛ به عبارت دیگر، «کتاب مقدس تنها زمانی برای کسب شناختی از خدا — شناختی که موجب نجات است — کافی خواهد بود که دقیقاً مبتنی بر تشویق و ترغیب درونی روح القدس باشد».^۶

تباهی انسان

زمانی که انسان از طریق کتاب مقدس به خدا می‌نگرد، قدرت مطلقه‌ی او را می‌یابد و زمانی که از طریق کتاب مقدس به خودش می‌نگرد، تباهی و فساد کامل خویش را می‌بیند. کتاب مقدس موقعیت انسان را در داستان هبوط به تصویر می‌کشد: جایی که

1. *Institutes*, 1.5.1.

2. *Ibid*, 1.17.1.

3. *Ibid*, 1.16.8.

4. *Ibid*, 3.23.2.

5. *Ibid*, 1.6.2.

6. *Ibid*, 1.8.13.

صورت خدا در انسان به‌طور کامل ویران نشده بود؛ «... اما آن [تصویر خدا] به حدی ویران شده بود که آنچه باقی مانده بود، بی‌اندازه بی‌قواره و بدشکل بود».^۱

مراد کالون از فساد و تباهی کامل انسان، ناتوانی کامل او از ایجاد و یا حفظ رابطه‌ای درخور با خداوند، تنها به وسیله اعمال خودش، است. کالون بر سامان‌داشتن و قاعده‌مندی رستگاری و بر وابستگی کامل انسان به خدا در عادل‌شمرده شدن، تأکید می‌کند. زمانی که کالون در کتاب مبادی^۲ برای لحظه‌ای به آن دسته از علایق انسان که متعلق به زندگی این جهانی هستند، مانند اندیشه‌های سیاسی، مهارت‌های فنی، فلسفه و علوم انسانی، توجه می‌کند بی‌درنگ می‌پذیرد که انسان می‌تواند کارهای شگفت‌انگیز بسیاری انجام دهد.

هرچند اراده انسان محدود به بندگی گناه است؛ اما اگر کسی پرسد: «آیا انسان مجبور به انجام گناه است؟» کالون پاسخ می‌دهد که اگر انسان مرتکب گناه شود، آن را داوطلبانه و از روی اختیار انجام داده است؛ [زیرا هرچند] انسان گرایشی قوی به گناه دارد؛ اما مجبور به انجام آن نیست.^۳ او همچنین چیزهایی که به نظر می‌رسد اراده آزاد انسان را انکار می‌کنند کنار می‌گذارد. بنا بر نظر کالون، اراده انسان از بین نرفته است، اما او به تنهایی نمی‌تواند ایمان را اراده کند؛ «... اراده آزاد برای قادر ساختن انسان به انجام کارهای نیک کافی نیست؛ مگر اینکه انسان توسط فیض الهی یاری شود».^۴ اشاره این اصلاحگر به این مطلب است که خداوند، با عمل خود، موجب عادل‌شمردگی است نه انسان با عمل خودش. به واسطه عادل‌شمردگی^۵ فرد گناه‌کار پذیرفته می‌شود، هرچند او یک گناه‌کار است — زیرا انسان به ناچار و الزاماً گناه‌کار است.

ایمان به مسیح

انسان در وضعیت گناه‌آلود خویش نیازمند رابطه‌ای نجات‌دهنده با خداوند است. او این رابطه را در مسیح، یگانه میانجی، کسب می‌کند؛ اما انسان خود حرکت به سمت اتحاد

1. Ibid, 1.15.4.

2. Ibid, 2.2.13.

3. Ibid, 2.3.5.

4. Ibid, 2.2.6.

با مسیح را آغاز نمی‌کند؛ «ایمان کار اصلی روح‌القدس است»؛^۱ ایمان «یک شناخت قطعی و راسخ از خیرخواهی خداوند نسبت به ماست که مبتنی بر درستی و حقیقت داشتن وعده‌ای است که، به رایگان، در مسیح داده شده است. وعده‌ای که هم بر اذهان ما مکشوف است و هم به وسیله روح‌القدس در قلب‌های ما نهفته شده است».^۲ با این حال، حتی ایمان نیز بنفسه نه ارزش دارد و نه قدرت؛ کالون چنین توضیح می‌دهد: «ایمان موجب عادل‌شمردگی می‌شود، نه به این علت که ایمان به سبب ارزش خود ما را شایسته درستکار بودن می‌کند؛ بلکه ایمان وسیله‌ای است که ما با آن درستکاری مسیح را، به رایگان، دریافت می‌کنیم».^۳ در اینجا کالون، مجدداً بر قدرت مطلق خداوند تأکید می‌کند و به موازات آن بر این مطلب نیز تأکید می‌کند که انسان بنفسه نمی‌تواند هیچ کاری برای کسب رستگاری انجام دهد.

ایمانی که انسان از روح‌القدس دریافت می‌کند، او را با مسیح متحد می‌سازد و این اتحاد و یکی‌شدن پیش‌شرطی است که به وسیله آن «... اساساً، ما فیض و رحمتی دوگانه دریافت می‌کنیم: یکی، آشتی با خدا از طریق بی‌گناهی مسیح — احتمالاً ما در بهشت در عوض قاضی و داور، پدری رحیم و مهربان خواهیم داشت — و دیگری تقدیس به وسیله روح مسیح که به سبب آن می‌توانیم بی‌گناهی و خلوص زندگی را بسط دهیم».^۴ هدیه اول را کالون عادل‌شمردگی یا عدالت^۵ می‌نامد و دومی را تولد مجدد و یا تقدیس.^۶

به واسطه تولد مجدد، مسیح خدای زنده انسان می‌شود و انسان با بدن مسیح پیوند می‌یابد. پیامد و نتیجه این اتحاد و یکی‌شدن این است که انسان به وسیله روح مسیح زندگی می‌کند؛ دیگر زندگی او به دور از خدا نیست؛ زندگی مسیحی «... عبارت است از ریاضت جسم و تن ما و انسان‌های پیشین، به علاوه حیات‌بخشی روح (القدس)».^۷

1. Ibid, 3.1.4.

2. Ibid, 3.2.7.

3. Ibid, 3.18.8.

4. Ibid, 3.11.1.

5. justification or righteousness

6. regeneration or sanctification

7. Institutes, 3.3.5.

از نظر کالون ایده عادل‌شمردگی «محور اصلی‌ای است که دین بر مدار آن می‌گردد».^۱ او به عادل‌شمردگی در شکل و هیئت یک محاکمه می‌نگرد که اگر متهم شاهدهی برای تأیید درستکاری خویش بیاورد آزاد شده «یا عادل‌شمرده می‌شود». «ما گناه‌کار هستیم و بنابراین شایسته محکومیت؛ اما به علت اتحاد و یکی‌شدن با مسیح از طریق ایمان، عدالت مسیح را همراه با او دریافت می‌کنیم».^۲ ما عادل نمی‌شویم؛ بلکه صرفاً با عدالت مسیح پوشانده می‌شویم. خداوند در حالی که ما را در مسیح می‌بیند، یا به بیان دقیق‌تر در حالی که عدالت مسیح را می‌بیند، به «عادل‌شمردگی» حکم می‌کند. این عمل قضایی دارای دو بخش است: بخشش گناهان [فرد گناه‌کار] و نسبت دادن عدالت مسیح [به او].^۳ این دو بخش پی‌درپی نیستند بلکه تا حدودی شبیه به دو جنبه یک فعل هستند؛ هرچند در عادل‌شمردگی بیش از یک فعل انجام می‌شود؛ زیرا اگر عادل‌شمردگی یک فعل بود، کارهای خوب فرد گناه‌کاری که یک بار عادل‌شمرده شده است، مجدداً موجب محکومیت او می‌شد؛ چراکه تمام اعمال انسان آلوده به گناه است. بنابراین خداوند نه تنها فرد گناه‌کار را عادل می‌شمرد؛ بلکه فرد عادل‌شمرده شده را در تمام اعمالش نیز عادل می‌شمرد تا آن اعمال به‌عنوان گناه به آن فرد نسبت داده نشوند. نظریه عادل‌شمردگی کالون چنین است.^۴

تقدیر ازلی

نظریه کالون در مورد تقدیر دوگانه انتخاب‌شدگی یا مطرود بودن، نتیجه منطقی و همچنین اصول عقیدتی اوست. به علت اعتقاد او به قدرت مطلق خداوند و ناتوانی کامل انسان از سهم بودن در رستگاری خویش، ایده تقدیر ازلی بنیاد و شالوده‌ای است که برای نظام الاهیاتی او ضروری است. البته دلایل عمل‌گرایانه نیز در تنظیم و تدوین این ایده نقش داشتند؛ زیرا فرد مؤمن و معتقد فقط زمانی از اعتماد کردن به شایستگی‌ها و اعمال خود برای رستگاری، رها می‌شود که رستگاری به اراده خداوند وابسته باشد.

1. Ibid, 3.11.1.

2. Ibid, 3.11.10.

3. Ibid, 3.11.2.

4. Ibid, 3.17.5.

علاوه بر این، چنین ایده‌ای برای کلیساشناسی کالون نیز لازم است. کالون می‌گوید: «ما به تقدیر ازلی — [یعنی] مشیت ازلی‌ای که خداوند به وسیله آن، با خودش، آنچه را که اراده کرده است برای هر انسان پیش بیاید، معین می‌کند — معتقدیم؛ زیرا تمام انسان‌ها در شرایط و موقعیت یکسانی خلق نمی‌شوند؛ بلکه برای عده‌ای حیات ابدی مقدّر شده است و برای عده‌ای لعنت و نفرین ابدی».^۱ این مشیت چنان مسلم و قطعی است که از علم پیشین الهی مستقل است و به طریق اولی کسی نمی‌تواند مانع تحقق آن شود. فیض الهی مقاومت‌ناپذیر است. همان‌طور که فرد گناه‌آلود، ضرورتاً شر را اراده می‌کند، [اراده] فرد برگزیده یا عادل‌شمرده شده نیز ضرورتاً با خواست‌ها و علایق خداوند مطابقت دارد.

کالون در شرح رساله آگوستین، درباره فساد، فیض و اختیار،^۲ می‌گوید: «... این فیض است که هم انتخاب و هم اراده را در قلب شکل می‌دهد. بنابراین هر کار نیکی که در پی این اراده می‌آید، میوه و اثر فیض است و قلب اراده دیگری غیر از اراده فیض ندارد که از آن اطاعت کند».^۳

کالون خود را ملزم به تأیید ایده رانده‌شدگی^۴ می‌داند. این مطلب او را می‌ترساند؛ اما با منطق و صراحتی خلل‌ناپذیر بر این مطلب پا می‌فشرد که تقدیر رانده‌شدگی غیر قابل درک اما مسلماً عادلانه است. فرد رانده‌شده عادلانه محکوم شده است.^۵ علت اصلی تأکید کالون بر این تقدیر ترسناک، روشن ساختن این مطلب است که جلال خداوند در همان رازی است که خداوند در آن نهفته است.

کلیسا و آیین‌های مقدس

انسان به علت جهالت و کاهلی خویش به کمک‌های بیرونی محتاج است تا بتواند ایمانی که به او هدیه شده است را استمرار ببخشد و تثبیت کند. بنابراین کالون اظهار

1. Ibid, 3.21.5.

2. *De correptione et gratia ad Valentinum, Patrologia latina*, 44: 935,936,943.

3. *Institutes*, 2.3.13.

4. reprobation

5. *Institutes*, 3.21.7.

می‌کند که خداوند منطبق با این ضعف و ناتوانی، کلیسا و دو آیین مقدسِ تعمید و عشای ربانی را ایجاد کرد. کلیسا — که کالون آن را به تبعیت از قدیس سیپریان «مادر» می‌نامد^۱ — نهادی است که از جانب خدا بنیان نهاده شده است و به همین دلیل [التزام به آن] ضروری است و نجاتی خارج از آن وجود ندارد: «... به دور از آغوش او [کلیسا] کسی نمی‌تواند به نجات یا بخششی برای گناهان امید داشته باشد».^۲

کلیسا هم مرئی است و هم نامرئی: در جنبه مرئی آن، امت مسیحی قرار دارد؛ اما کلیسای نامرئی دربرگیرنده تمام برگزیدگان خداوند است و با عشای ربانی پارسایان و همچنین با بدن مسیح برابر است. از آنجا که کلیسای مرئی افراد رانده‌شده را نیز دربردارد، گسترده‌تر از بدن مسیح است. البته این سخن به این نتیجه منتهی نمی‌شود که دو کلیسا وجود دارد؛ بلکه یک کلیسا با دو جنبه وجود دارد: کلیسا تا جایی که موضوع و متعلق ایمان است یا تا حدی که خدا آن را می‌بیند، نامرئی است و در جایی که موضوع و متعلق تجربه است و بر انسان‌ها ظاهر می‌شود، مرئی است.^۳

همچنان‌که لوتر پیش از وی در اعتراف‌نامه آگسبورگ گفته بود،^۴ کالون نیز برای حکم کردن به وجود کلیسای حقیقی دو معیار عینی ارائه می‌دهد: «هرگاه دیدیم که کلام خداوند خالصانه و عظم و شنیده می‌شود و آیین‌های مقدس بر اساس سنت مسیح اجرا می‌شوند، بی‌هیچ شک کلیسای خداوند وجود دارد».^۵

کالون آیین مقدس را چنین تعریف می‌کند: «نشانه‌ای بیرونی که خداوند به وسیله آن بر دل‌های ما مهر و عده^۶ اراده خوب خویش نسبت به ما^۷ را می‌زند تا بدین وسیله ضعف ایمان ما را جبران کند؛ آیین مقدس شاهدهی از فیض و رحمت الهی نسبت به ما است که با نشانه‌ای بیرونی و ظاهری تأیید شده است، به همراه تأیید متقابل پرهیزکاری ما نسبت به او».^۶ در نظر کالون، آیین‌های مقدس دربردارنده فیض و یا عطاکننده آن

1. *De catholicae ecclesiae unitate* 6; *Corpus scriptorum ecclesiasticorum latinorum* 3.1.214.

2. *Institutes*, 4.1.4.

3. *Ibid*, 4.1.7.

4. art. 7.

5. *Institutes*, 4.1.9.

6. *Ibid*, 4.14.1.

نیستند، بلکه آینه‌ای از حقیقتی هستند که نماد و سمبل آن می‌باشند. این حقیقت — که به وسیلهٔ مسیح وعده داده شده و اثرگذار شده است — همزمان با دریافت نمادهای زمینی آیین‌های مقدس اعطا می‌شود. بنابراین کالون در مورد آیین عشای ربانی می‌گوید: «با وجود این، اگر اکنون کسی بپرسد آیا نان بدن مسیح و شراب خون اوست؟ ما باید پاسخ بدهیم که نان و شراب علائم قابل رؤیتی هستند که خدای ما، عیسی مسیح، به وسیلهٔ آنها خون و بدن خویش را بین ما تقسیم می‌کند». کالون در ادامه می‌گوید: «آن حقیقت یک راز روحانی است که قابل رؤیت با چشم نیست و فهم بشر آن را درک نمی‌کند. بنابراین، به علت ضعف ما، به وسیلهٔ نشانه‌های مرئی نشان داده می‌شود. البته در چنین روشی این نشانه‌ها، تمثال و نشانهٔ صرف نیستند؛ بلکه به حقیقت و جوهره و اساس خود می‌پیوندند».^۱

بنابراین، آثار آیین‌های مقدس به سبب وعدهٔ مسیح اعطا می‌شوند، به وسیلهٔ ایمان دریافت می‌شوند، فقط افراد برگزیده آنها را دریافت می‌کنند، و با نشانه‌های بیرونی آشکار و قطعی می‌شوند. این آثار موجب یکی شدن فرد با مسیح می‌شوند و فرد از مسیح تمام چیزهایی را که او با مرگ و رستاخیزش کسب کرده است دریافت می‌کند. این امتیازات و منافع چیستند؟ کالون می‌گوید: «تعمید به ما اثبات می‌کند که پاک و شسته شده‌ایم؛ شام عشای ربانی اثبات می‌کند که نجات یافته‌ایم».^۲ به‌طور خلاصه «... نجات، عدالت، تقدیس و حیات ابدی».^۳

۳. تحولات تاریخی

بدون شک آیین کالونی به‌عنوان یک نظام اعتقادی نه تنها به ساختار یک نظام کلیسایی (که معمولاً نظام پرسبیتی [مشایخی] خوانده می‌شود) تبدیل شد، بلکه روش خاصی از زندگی را نیز به وجود آورد — دورهٔ حکمرانی او بر شهر ژنو نمونه‌ای از این روش است. در روند این بسط، آیین کالونی دستخوش تغییر و تعدیل‌های ساختاری و عقیدتی قرار گرفت.

1. *Short Treatise on the Lord's Supper*, 2. *Lirary of Christian Classics*, 22, 147.

2. *Treatise*, 4.14.22.

3. *Ibid*, 4.17.11.

مناقشات الاهیاتی

اولین شکاف در نظم و انضباط الاهیات کالونی در هلند^۱ اتفاق افتاد. هلند پس از جنگ موفقیت آمیز ویلیام اهل اورانژ^۲ (که در سال ۱۵۷۳ خود را کالونی اعلام کرد) علیه فیلیپ دوم، یک پارچه کالونی شد؛ اما انضباط شدیدی که آیین کالونی مطالبه می کرد موجب عکس العمل شد. جانشین کالون، تئودور بزا، عقیده ای را که به سوپرا لاپساریانیسم^۳ [برگزیدگی پیش از هبوط] شناخته می شود، به ایده تقدیر ازلی افزود؛ در این عقیده، مشیت برگزیدگی پیش از سقوط انسان قرار دارد؛ به طوری که وضعیت سقوط کرده انسان جزئی از برنامه ازلی خداوند است. دیرک کورنهرت^۴، الاهیدان هلندی،^۵ عقیده بزا را با ایده تقدیر مشروط یا اینفرالاپساریانیسم^۶ [برگزیدگی پس از هبوط] زیر سؤال برد. در این ایده، تقدیر الهی جانشین سقوط می شود و پس از آن قرار دارد؛ نه اینکه پیش از آن باشد یا آن را معین کند. از نظر کالونی های راست کیش معتقد هلند، این ایده که با نظر بزا متفاوت بود، بدعت آمیز تلقی می شد. آنان ژاکوب آرمینیوس (هرماندسون)^۷، که مدتی شاگرد بزا بود، را در سال ۱۵۸۹ دعوت کردند تا نظرات کورنهرت و اینفرالاپساریانی ها را رد و ابطال کند؛ اما آرمینیوس در حین مطالعه مسائل فهمید که نمی تواند از نظر راست کیشان دفاع کند و در عوض نظری متفاوت با سوپرا لاپساریانیسم و اینفرالاپساریانیسم ارائه کرد.

آرمینیوس مورد حمله فرانسیسکوس خوماروس^۸، یک سوپرا لاپساریانیست متعصب، قرار گرفت و مجبور شد که از خود در مقابل اتهامات پلاگیوس^۹ و

۱. Holland؛ هرچند کشور هلند (Netherlands) نیز غالباً هلند نامیده می شود؛ اما هلند منطقه ای است که در شمال غربی کشور هلند امروزی واقع شده است [DVD] Microsoft® Encarta® 2008 "The Netherlands." م

2. William of Orange

3. Supralapsarianism

4. Dirk Coornhert

5. Dutch Theologian

6. Infralapsarianism

7. Jacobe Arminius (Hermandzo on)

8. Franciscus Gomarus

۹. Pelagianism؛ پیروان پلاگیوس. او معتقد به اراده آزاد بشر بود و می گفت انسان ها با اعمال و تلاش خود، بدون نیاز ضروری به فیض، می توانند به رستگاری و نجات دست یابند. او عقیده گناه موروثی (جیبلی) را نیز مردود می دانست. م

سوکینی^۱ بودن دفاع کند. در سال ۱۶۱۰ پیروان آرمینیوس اعتراض نامه‌ای به دولت دادند دادند که در آن خواستار محافظت دولت از آنها در مقابل کالونی‌های راست‌کیش شده بودند. در این اعتراض نامه، رمونسترانت‌ها^۲ (پیروان آرمینیوس) پنج نظریه درباره دیدگاه دیدگاه خویش نسبت به تقدیر ازلی ارائه کرده بودند.^۳ مقامات دولتی یک شورای کلیسایی ملی در شهر دورت^۴ تشکیل دادند. این شورا از ۱۳ نوامبر ۱۶۱۸ تا ۹ می ۱۶۱۹، ۱۵۴ جلسه رسمی برگزار کرد. در این شورا علاوه بر الاهدانان هلندی، نمایندگان از سوئیس، آلمان، اسکاتلند و انگلستان نیز شرکت کرده بودند. این شورا که صورت یک شورای جهانی را برای کلیسای اصلاح‌شده پیدا کرده بود، علیه رمونسترانت‌ها حکم کرد. شورا مصوبات خود را - که دیدگاه راست‌کیشی را درباره تقدیر ازلی تأیید می‌کرد - در ۹۳ اصل که به پنج فصل تقسیم شده بود بیان کرد. این پنج فصل مطابق پنج نظریه‌ای بودند که آرمینیوسی‌ها در عریضه خویش بیان کرده بودند. پنج اصلی که شورا مطرح کرد عبارت‌اند از: ۱. برگزیدگی بی‌قید و شرط؛ ۲. فدیة محدود، یعنی عیسی مرد تا تنها برگزیدگان را نجات دهد (نه همه را)؛ ۳. انحطاط و تباهی کامل بشر؛ ۴. مقاومت‌ناپذیری فیض؛ ۵. ثبات قدم نیکان.^۵

۱. Socinianism؛ پیروان لایلیوس و فائوستوس سوکینوس، الاهدانان ایتالیایی که ایمان به خدا را تبلیغ می‌کردند؛ می‌کردند؛ اما سایر عقاید مسیحی مانند تثلیث و الوهیت مسیح را انکار می‌کردند. م

2. Remonstrant(s)

۳. الف) خدا بر آن شده است تا توسط عیسی مسیح تمام کسانی را که توسط فیض روح‌القدس به او ایمان می‌آورند و تا آخر ایمان خود را به او حفظ می‌کنند نجات بخشد. ب) عیسی مسیح با مرگ خود بر صلیب، امکان برخوردار شدن از عطیه آمرزش گناهان را برای همگان فراهم ساخت؛ اما تنها ایمانداران از این عطیه برخوردار می‌شوند. ج) انسان سقوط کرده به خودی خود و به تنهایی نمی‌تواند عملی انجام دهد که حقیقتاً نیکو باشد. وی نیاز دارد تا از خدا، در مسیح و به واسطه روح‌القدس تولد دوباره یابد تا بتواند آنچه حقیقتاً نیکوست انجام دهد. د) اگر فیض خدا از ابتدا در ما عمل نکند، ما را بیدار نسازد، همراه ما نباشد و با ما همکاری نکند، ما نمی‌توانیم هیچ عمل نیکویی انجام دهیم؛ اما این فیض مقاومت‌ناپذیر نیست. ه) فیض خدا ایمانداران حقیقی را قادر می‌سازد تا به انتها نجات خود را حفظ کنند و رستگار شوند؛ اما اینکه آیا ممکن است که سهل‌انگاری و مسامحه از سوی فرد ایماندار، باعث شود که وی این فیض را از دست بدهد چندان روشن نیست. تونی لین، تاریخ تفکر مسیحی، ص ۲-۳۰۱. م

4. Dort (Dordercht)

5. Text in P. Schaff, *The Creeds of Christendom* (1877) 3,550-580.

الاهیات مبتنی بر عهد^۱

دشواری‌های دیگری نیز برای عقاید کالونی پدید آمد؛ این دشواری‌ها و مشکلات بیشتر در مورد کلیسای مرئی و نامرئی، مقاومت‌ناپذیر بودن فیض و دولت مدنی خودکامه بودند، دولت خودکامه‌ای که وظیفه دینی آن «پاس داشتن و حفاظت کردن از پرستش ظاهری خداوند بود تا از عقیده بی‌نقص و متین تقوا و موقعیت کلیسا دفاع کند».^۲ یکی از حرکت‌های جدیدی که آموزه‌های کالون را برای یافتن راه‌حل برای چیزی که شبیه سخت‌گیری لاینحل به نظر می‌رسید، تغییر داد «الاهیات مبتنی بر عهد» آیین پیوریتن^۳ بود. آیین پیوریتن ابتدا در میانه قرن ۱۶، به صورت اعتراضی به لباس تعیین شده برای کشیشان و سنت‌های مربوط به نماز در کلیسای انگلستان پدیدار شد. این حرکت در الاهیات اساساً کالونی بود؛ اما هسته اصلی آن را نوعی تقوا و پرهیزکاری تشکیل می‌داد. از آنجا که پیوریتن‌ها به رابطه صحیح انسان با خدا به‌عنوان روش زندگی می‌پرداختند و در عین حال تقدیر ازلی خداوند را نیز تعیین‌کننده همه چیز می‌دانستند، ایده الاهیات مبتنی بر عهد را بسط و پرورش دادند. آنها پی بردند که تمام تاریخ رستگاری رسته‌ای از پیمان‌ها و عهدها بین انسان و خدا بوده است و حتی دولت که از کلیسا حمایت می‌کند نیز یک عهد دارد.

اهمیت این پیمان‌ها آن است که در حالی که از نظر الاهیاتی قدرت مطلق خداوند را اثبات می‌کنند، مطلق بودن قدرت خداوند را نسبت به توانایی انسان برای عمل کردن به آن، انعطاف‌پذیر می‌کنند. وظیفه انسان عمل کردن به عهد خود با خداوند است. درخواست‌های خداوند، درست مثل قراردادهای حقوقی و تجاری امروزه، معقول و در حد توان انسان هستند.

بنابراین خدای تقدیر ازلی و محکومیت مقاومت‌ناپذیر کالون به خدای پیوریتن — که می‌توان با زندگی درستکارانه او را خدمت کرد و او نیز کسانی را که چنین زندگی کنند از برگزیدگان به حساب می‌آورد — تبدیل شد. بر این اساس، آیین پیوریتنی حد وسط پروتستان راست‌گیشی و لیبرال به حساب می‌آید؛ حد وسط اختیارباوری و عقل‌باوری؛ حد وسط فرمانروایی خدا و فرمانروایی انسان.

1. Covenant theology

2. *Institutes*, 4.20.2.

3. Puritanism

۴. گسترش جغرافیایی

اولین موفقیت آیین کالونی در ژنو حاصل شد؛ تحت رهبری کالون (از ۱۵۴۱ تا ۱۵۶۴) این شهر به کامل‌ترین نمونه از اجتماعی تبدیل شد که در یک جامعه کامل کالونی به هم پیوسته بودند. چه در امور شهری و چه در امور کلیسایی، ژنو را برگزیدگان^۱ اداره می‌کردند.

حکومت کلیسا

کالون بر اساس نظرش درباره کتاب مقدس (افسیان، ۴: ۱۱؛ رومیان، ۱۲: ۷؛ اول قرنتیان، ۱۲: ۲۸) و نیز بر اساس رسم و شیوه کلیسای اولیه، در کتاب فرمان‌های کلیسایی^۲ اعلام کرد: «چهار مقام وجود دارند که خدای ما [مسیح] آنها را برای اداره کلیسای خویش بنیان گذاشت: اول، کشیشان؛^۳ دوم، عالمان؛^۴ بعد مشایخ و چهارم شماسان».^۵ کشیشان موعظه می‌کردند و آیین‌های مقدس را اجرا می‌کردند. عالمان وظیفه آموزش را بر عهده داشتند — که در پرتو تشویق و ترغیب آیین کالونی، موجب شکوفایی مدارس و دانشگاه‌ها شد. مشایخ در اجرای نظم شرکت داشتند؛ و شماسان از بیماران و مستمندان نگهداری می‌کردند.

انجمن کشیشان^۶ — که از کشیشان و غیر روحانیان تشکیل می‌شد — مسئول حیات دینی جمعی شهر بود. در زمان رهبری کالون، این انجمن در درجه اول به محکمه امور اخلاقی تبدیل شد. در مواقع نیاز، تصمیمات انجمن توسط شورای شهر ژنو — که وظیفه‌اش فقط ارتقای نظم اجتماعی نبود، بلکه تعالی کلیسای اصلاح‌شده را نیز وظیفه خود می‌دانست — عملی می‌شد. ژنو، تحت رهبری کالون، نه تنها به نمونه‌ای تبدیل شد که کالونی‌ها به آن به‌عنوان یک آرمان می‌نگریستند، بلکه پناهگاهی برای پناهندگان

1. the elect

2. *Ecclesiastical Ordinances*

3. pastors

4. doctors

5. *Library of Christian Classics* 22:58.

6. The Consistory

پروتستان نیز بود و از طریق همین پناهندگان بود که اندیشه‌های کالون به‌طور گسترده و تا دور دست منتشر شد.

نویسنده در ادامه مقاله، روند گسترش آیین کالونی در سوئیس، آلمان، فرانسه، کشور هلند، اسکاتلند، انگلستان و امریکای شمالی را بیان می‌کند که از ترجمه آن صرف‌نظر کردیم؛ زیرا هدف از ترجمه این مقاله عرضه گزارشی از اندیشه‌های الهیاتی کالون و سیر تاریخی آیین کالونی است و بررسی گسترش جغرافیایی برای رسیدن به این مقصود ضروری نیست.

تأثیرات آیین کالونی

ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، در اثر کلاسیک خود، *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*^۱ (۱۹۰۲) آیین کالونی را عاملی بنیادی و مهم در پیدایش جهان مدرن دانست. وبر می‌گوید تأکید آیین کالونی بر برگزیدگی الهی موجب پیدایش فرهنگ «ریاضت‌کشی دنیوی» شد که در آن، کالونی‌ها امید داشتند تا از طریق فعالیت و کارهای دنیایی، ثمرات برگزیدگی‌شان را نشان دهند.^۲ عرفی‌شدن^۳ این گرایش‌ها تأثیری عمیق در ظهور سرمایه‌داری مدرن داشت؛ چنان‌که کشورهای که تأثیر اندیشه‌های کالونی در آنها قوی‌تر بود، به پیشروان صنعت، بانک‌داری و اقتصاد مدرن تبدیل شدند. بحث

1. *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*

۲. از آنجا که طبق آیین کالونی، نجات‌یافتگان را تقدیر الهی معین می‌کند، انسان‌ها قادر به آگاهی از رستگاری یا عذاب ابدی خویش نیستند. این مطلب تحمل‌ناپذیر است؛ لذا پیروان کالون تلاش می‌کنند تا علائم گزینش خود را در همین جهان بجویند. برای رهایی از عذاب‌های روحی و ترس ناشی از این اعتقاد دو نوع توصیه کشیشی شکل گرفت: از یک سو، باید خود را برگزیده شمرد، هر نوع تردیدی در این باره می‌بایست به‌عنوان وسوسه‌ای شیطانی کنار گذاشته شود؛ از سوی دیگر، برای رسیدن به اعتماد به نفس، کار خستگی‌ناپذیر در یک شغل، بهترین وسیله است. کار و تنها کار است که تردید مذهبی را می‌زداید و یقین به رحمت حق را در مؤمن به وجود می‌آورد. به همین علت است که برخی از فرقه‌های کالونی، به عقیده ماکس وبر، به این نتیجه رسیدند که پیشرفت دنیوی و احتمالاً پیشرفت اقتصادی را دلیل و نشانه‌ای برای گزینش خود در نزد خدا بدانند. ریمون آرون، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی* (ترجمه باقر پرهام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۸۲)، ص ۱۱-۶۰۹. م

3. secularization

درباره این «تز و بر»^۱ بر بیشتر کتاب‌های تاریخی قرن بیستم حاکم بود. این نظریه مدافعان و منتقدان قدرتمندی داشت که درباره نقاط قوت و ضعف نظریه و بر — که ژن مدرنیته را در آیین کالونی می‌شناساند — بحث می‌کردند. اخیراً محققان نشان داده‌اند که نگرش‌های سنتی و حتی کهنه و منسوخ‌ی درباره تجارت و امور مالی نه تنها در آثار کالون بلکه در بین پیروان قرن هفدهمی و هجدهمی او نیز وجود داشته است. امروزه عقیده بر این است که صنعت‌گرایی و سرمایه‌داری مدرن در تأثیرات و تحولات گوناگونی ریشه دارند و یگانه عامل آن عرفی‌شدن آموزه کالون درباره نجات انسان نیست.

با این همه، آیین کالونی، در طول چهارصد سال که از ظهورش می‌گذرد، به‌عنوان یک هدف و جهت‌گیری کمک بسیاری به فهم رابطه انسان با خدا کرده است. شاید پیروان امروزین کالون تمام اصول تعالیم او را نپذیرند؛ اما در سنت اصلاح‌شده، برخی از مبانی و اصولی که او در کتاب مبادی و دیگر نوشته‌هایش مطرح کرده است همچنان در مباحثات ایشان درباره توانایی و ضعف انسان تکرار می‌شوند. این اصول شامل این موارد است: تأکید کالون بر وضعیت پست انسان در حضور خدای متعال، نگرش او در باب قدرت فیض الاهی، و تأکیدش بر آموزه‌های کتاب مقدس به‌عنوان قانونی که مسیحیان باید از طریق آن به دنبال اصلاح جامعه باشند.

1. Weber thesis

كتاب نامه

- Calvin, John , *Opera quae supersunt omnia*, ed. G. Baum et al., 59 v., *Corpus reformationum* 29–87.
- _____ , *Institutes of the Christian Religion*, ed. J. T. McNeill tr. F. L. Battles, 2 v., Philadelphia, 1960.
- _____ , *Theological Treatises*, tr. J. K. S. Reid, Philadelphia, 1954.
- _____ , *Concerning the Eternal Predestination of God*, tr. J. K. S. Reid, London, 1961.
- Baudrillart, A., *Dictionnaire de théologie catholique*, ed. A. Vacant, 15 v., Paris 1903–50; Tables générales 1951–, 2.2:1398–1422, earlier bibliog.
- Bouyer, L., *The Spirit and Forms of Protestantism*, Westminster, MD, 1956.
- Congar, Y., *Catholicisme*, 2:421–424.
- Dowey, E. A., *The Knowledge of God in Calvin's Theology*, New York, 1952.
- Forstman, J. H., *Word and Spirit . . .*, Stanford, 1962.
- Ganoczy, A., *Calvin, théologien du ministère et de l'Église*, Paris, 1964.
- Graham, W. F., *Later Calvinism*, Kirksville, MO, 1994.
- Hartvelt, G. P., *Verum corpus: Een studie over een centraal hoofdstuk uit de Avondmaalsleer van Calvijn*, Delft, 1960.
- Hunter, A. M., *The Teaching of Calvin . . .* (2d ed.), London, 1950.
- Krusche, W., *Das Wirken des Heiligen Geistes nach Calvin*, Göttingen 1957.
- Makinnon, J., *Calvin and the Reformation*, New York, 1962.
- McNeill, J. T., *The History and Character of Calvinism*, New York, 1954.
- Monter, E. W., *Calvin's Geneva*, New York, 1967.
- Neeser, M., *Le Dieu de Calvin d'après l'institution de la religion chrétienne*, Neuchâtel, 1956.
- Niesel, W., *The Theology of Calvin*, tr. H. Knight, Philadelphia 1956.
- Prestwich, M., (ed.), *International Calvinism*, Oxford, 1985.
- Quinn, J. , H. F. DAVIS et al., *A Catholic Dictionary of Theology*, London, 1962–, 1:313–317.
- Ruland, V., ‘‘The Theology of New England Puritanism’’, *Heythrop Journal*, 5 ,1964.
- Schnucher, R., (ed.), *Calviniana*, Kirksville, MO, 1988.

- Smiths, L., *Saint Augustin dans l'oeuvre de Jean Calvin*, Assen, 1957.
- Sprenger, P., *Das Rätsel um die Bekehrung Calvins*, Neukirchen, 1960.
- Steinmetz, D., *Calvin in Context*, New York, 1995.
- Stuermann, W. E., *A Critical Study of Calvin's Concept of Faith*, Tulsa, 1952.
- Weber, O., *Die Religion in Geschichte und Gegenwart*, 7 v. (3d ed.), Tübingen, 1957–65.
- Wendel, F., *Calvin . . .*, tr. P. Mairet, New York, 1963.
- Zeeden, E. W. and J. Marlet, *Lexikon für Theologie und Kirche*, ed. J. Hofer and K. Rahner, 10 v. (2d, new ed. Freiburg 1957–65), 1966, 2:891–898.